



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروژیکٹ گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بیان مسئله

یکی از اعداد مهم و بلکه می‌توان گفت مهم‌ترین عدد در فرهنگ‌های دینی گوناگون، عدد چهل (اربعین) است که با نوعی قداست معنایی در بستر زمان مورد توجه قرار گرفته است (نک: کوچکیان و پیامی، ۱۳۹۶، ش، ۲۴۸). در این باره گفته شده است که عدد اربعین را خاصیتی است که در سایر اعداد نیست (همان). بر این اساس، عدد چهل در فرهنگ دینی و اسلامی، محور مباحث و تحولات بسیاری قرار گرفته است که هر کدام در جای خود قابل بررسی و ارزیابی است. به سبب بار عاطفی و گفتمان ویژه عدد چهل، بازشناسی مؤلفه‌های نمادین این عدد در فرهنگ اسلامی و استخراج این مؤلفه‌ها در اربعین حسینی حائز اهمیت است؛ فلذا پژوهش حاضر با ابزار گردآوری کتابخانه‌ای-استنادی و روش توصیفی-تحلیلی با سطح تحلیل تحلیل محتوا به دنبال پاسخ به این سؤالات است: نمادشناسی عدد چهل بیانگر چه مفاهیمی است؟ بین مفاهیم نمادین عدد چهل و اربعین امام حسین (ع) چه ارتباطی وجود دارد؟

درباره اربعین پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است که هر کدام از آنها، بُعدی از ابعاد اربعین و عدد چهل را مورد بررسی قرار داده‌اند. برای نمونه، عاشوری تلوکی در مقاله «سنت اربعین‌نویسی و نسخه‌ای شریف در شرح چهل حدیث»، حسینی کوهساری در مقاله «اربعین‌نگاری در فرهنگ اسلامی» و احمدی آشتیانی و امین ناجی در مقاله «بررسی تطبیقی سیر تطور اربعین‌نویسی در فریقین»، سنت اربعین‌نویسی در فرهنگ اسلامی را بررسی کرده‌اند. صدیقه برزگری مجارنشین در پایان‌نامه «چله‌نشینی در ادبیات فارسی» به موضوع اعتکاف چهل روزه عالمان و عارفان مسلمان و جلوه‌های آن در ادبیات فارسی پرداخته است. به علاوه، محسنی در مقاله «اربعین امام حسین (ع) و ماجرای بازگشت اهل بیت به کربلا» به موضوع اربعین امام حسین (ع) و

فلاحی و دیگران در مقاله «نشانه‌شناسی پیاده‌روی اربعین و شباهت‌های آن با حکومت مهدوی» به مبحث نشانه‌شناسی پیاده‌روی اربعین پرداخته‌اند.

با این حال، تاکنون پژوهشی درباره مفاهیم نمادین اربعین در فرهنگ‌های گوناگون انجام نشده است و خلأ آن همچنان در پژوهش‌ها احساس می‌شود. بر این اساس، مقاله حاضر در صدد آن است که مفاهیم نمادین اربعین و عدد چهل را در طول تاریخ به‌ویژه در فرهنگ اسلامی بررسی کند و به ارزیابی ابعاد گوناگون مسائل مربوط به آن بپردازد.

۱- مفاهیم اربعین در عهدین

عدد اربعین در کتب عهدین حضور فعالی دارد و مفاهیم ویژه‌ای به خواننده القا می‌کند. یکی از این مفاهیم، تکامل و بلوغ است که نمونه‌هایی از آن در متن عهدین موجود است؛ برای نمونه نقل شده است که ایشبوشث چهل ساله بود که پادشاه اسرائیل شد (دوم سموئیل، باب ۲: ۱۰-۱۱). داود چهل سال بر اسرائیل سلطنت نمود (اول پادشاهان، باب ۲: ۱۱). سلیمان به مدت چهل سال در اورشلیم بر اسرائیل سلطنت کرد (پادشاهان اول، باب ۱۱: ۴۲). عیسی (ع) در مدت چهل روز پس از مرگ خود، بارها خود را زنده به رسولان ظاهر ساخت و به طرق گوناگون به ایشان ثابت کرد که واقعاً زنده شده است. در این فرصت‌ها او درباره ملکوت خدا با ایشان سخن می‌گفت (اعمال رسولان، باب ۱: ۳).

عدد چهل در عهدین، در ارتباط با آزمایش و تنبیهی که به مغفرت خداوند یا تعیین تکلیف دیگری برای انسان‌ها منجر شود نیز کاربرد یافته است؛ چنانکه آمده است: «خداوند چهل سال ما را در بیابان سرگردان نمود تا اینکه تمامی آن نسل که

نسبت به خداوند گناه ورزیده بودند، مردند...» (اعداد، باب ۳۲: ۱۳-۱۵). درباره طوفان نوح در سفر پیدایش آمده است: «به مدت چهل شبانه روز باران فرو خواهیم ریخت و هر موجودی را که به وجود آورده‌ام از روی زمین محو خواهم کرد» (پیدایش، باب ۷: ۴). در انجیل متی ذیل آزمایش عیسی (ع) آمده است: «و آنگاه روح خدا عیسی را به بیابان برد تا در آنجا شیطان او را وسوسه و آزمایش کند، عیسی در آن زمان برای مدت چهل شبانه روز، روزه گرفت. پس در آخر بسیار گرسنه شد و» (متی، باب ۴: ۱-۳). بر این اساس، اربعین، عدد انتظار، آمادگی، آزمایش و تنبیه است. افزون بر موارد پیش گفته، بیعت با نوح چهل روز بعد از طوفان رخ داد (ژان شوالیه، ۱۳۷۹ش، ج ۲: ۵۷۶). عدد چهل نشانه بی پایان یک دور تاریخ است؛ دوری که می باید نه فقط به تکرار، بلکه به تغییر اساسی و گذر از نظام عملی از یک زندگی به زندگی دیگر منتهی گردد (همان). جشن چهل سالگی برخاسته از این باور است که عدد چهل نماد دور زندگی یا مرگ است (همان: ۵۷۸).

۲- مفاهیم اربعین در قرآن کریم

نماد اربعین در آیات قرآن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که در ادامه به توضیح و تبیین مفاهیم مربوط به آن در جهت بازشناسی مؤلفه‌های نمادین این عدد در فرهنگ اسلامی پرداخته می شود.

۲-۱- چهل، زمان تکامل شخصیت انسان

اربعین به معنای چهل، در فرهنگ اسلامی، نماد تکامل و مظهر کمال هر چیز و هر کاری است. با دقت در آیات و روایات مرتبط با اربعین می توان فهمید که این واژه، نهایت بلوغ انسان در کارهای گوناگون را به تصویر می کشد؛ چنانکه این لفظ در آیه

«وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ»^۱ (احقاف، ۱۵)، به رسیدن انسان به کمال رشد در سن چهل سالگی و دعای او نسبت به والدین و خشوع او در مقابل خداوند اشاره دارد.

چهل سالگی اوج قدرت و شدت است. برخی نوشته‌اند که ابوبکر در چهل سالگی به پیامبر اکرم (ص) ایمان آورد (نک: بلخی، ۱۴۲۳ق، ج ۴: ۲۰؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۷: ۲۵۸). این سخن را می‌توان در راستای اعتقاد به تکامل شخصیت انسان در چهل سالگی دانست؛ چنانکه برخی از مفسران به اینکه بلوغ و کمال انسان در چهل سالگی است، اشاره کرده‌اند (فراء، بی‌تا، ج ۳: ۵۲). البته برخی، «بَلَغَ أَشُدَّهُ» را در آیه به معنای سن بلوغ حلم دانسته‌اند (نک: جصاص، ۱۴۰۵ق، ج ۵: ۲۶۸؛ طوسی، بی‌تا، ج ۹: ۲۷۵). گفته شده است که رأی و عقل انسان در چهل سالگی به مرحله کمال خود می‌رسد (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۹: ۱۳۰). چهل سالگی حد توفیق، طهارت و سعادت انسان است و بنا به روایت، کسی که عمرش از چهل سالگی رد شد و توبه نکرد، شیطان دست بر صورتش می‌کشد و توفیق توبه را از دست می‌دهد (ابن عطیه أندلسی، ۱۴۲۲ق، ج ۵: ۹۷). عده‌ای از مفسران تأکید کرده‌اند که چهل سالگی، نهایت کمال عقل انسان است (نک: کاشانی، ۱۳۳۶ش، ج ۸: ۳۱۵؛ نخجوانی، ۱۹۹۹م، ج ۲:

۱. و انسان را [نسبت] به پدر و مادرش به احسان سفارش کردیم. مادرش با تحمل رنج به او باردار شد و با تحمل رنج او را به دنیا آورد. و بار برداشتن و از شیر گرفتن او سی ماه است، تا آن گاه که به رشد کامل خود برسد و به چهل سال برسد، می‌گوید: «پروردگارا، بر دلم بیفکن تا نعمتی را که به من و به پدر و مادرم ارزانی داشته‌ای سپاس گویم و کار شایسته‌ای انجام دهم که آن را خوش داری، و فرزندانم را برایم شایسته‌گردان در حقیقت، من به درگاه تو توبه آوردم و من از فرمان‌پذیرانم».

۳۲۱؛ شریف لاهیجی، ۱۳۷۳ش، ج ۴: ۱۴۳؛ عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۳: ۱۹۹؛ ابن عجبیه، ۱۴۱۹ق، ج ۵: ۳۳۳؛ شبّر، ۱۴۱۲ق: ۴۷۱؛ مظہری، ۱۴۱۲ق، ج ۸: ۴۰۵؛ مغنیہ، ۱۴۲۴ق، ج ۷: ۴۶). حسن کمال انسان در این سن است (فیضی دکنی، ۱۴۱۷ق، ج ۵: ۱۹۵). بر این اساس، چهل سالگی، دوره رشد، قدرت و کمال عقل و خرد است (حسینی ہمدانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۵: ۲۵۸). همچنین چهل سالگی استعداد دولت کمال ایمان ہم گزارش شدہ است (حسینی شاہ عبدالعظیمی، ۱۳۶۳ش، ج ۱۲: ۷۷). زمان تکمیل رأی و اجتماع عقل انسان چهل سالگی است؛ بہ همین سبب، بعثت انبیاء (ع) نیز در چهل سالگی بودہ است (میرزا خسروانی، ۱۳۹۰ش، ج ۷: ۴۶۲). بہ تعبیری، انتہای رشد انسان چهل سالگی است (طیب، ۱۳۷۸ش، ج ۱۲: ۱۴۴). برخی نوشتہ‌اند کہ چهل، زمان استحکام رأی است (حسینی شیرازی، ۱۴۲۳ق: ۵۱۷). همچنین رسیدن بہ چهل سالگی غیر از بلوغ اشد است؛ یعنی بعد از نیرومندی بہ چهل سالگی رسید کہ زمان کمال عقل است (قرشی، ۱۳۷۷ش، ج ۱۰: ۱۴۵). برخی نوشتہ‌اند بلوغ اشد اشارہ بہ بلوغ جسمانی و چهل سالگی اشارہ بہ بلوغ فکری و عقلانی است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۲۱: ۳۲۸). با توجہ بہ سیاق، دلالت آیہ متناظر با رشد عقلی است؛ بہ سبب اینکہ ہر اہل انصافی با حکم عقل نیکی کردن بہ والدین را لازم و ضروری می‌داند (بانوی اصفہانی، ۱۳۶۱ش، ج ۱۳: ۱۳۳)؛ چنانکہ در آیہ‌ای دیگر بعد از اشد بلوغ از علم و حکمت سخن می‌راند: «وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ»^۱ (یوسف، ۲۲)؛ آیہ شریفہ در مورد حضرت یوسف (ع) است و مراد از حکمت قوت عقل نظری و عقل عملی است کہ کمال انسان در قدرت این دو عقل است و یا تعبیر خواب (ہمان، ۳۵۵: ج ۶). همچنین محتمل است حکم همان مقام

۱. و چون بہ حد رشد رسید، او را حکمت و دانش عطا کردیم، و نیکوکاران را چنین پاداش می‌دہیم.

نبوت باشد (نک: گنابادی، ۱۴۰۸ق، ج ۲: ۳۵۲؛ طیب، ۱۳۷۸ش، ج ۷: ۱۷۵) با این بیان، نبوت حضرت یوسف (ع) در سن کمال و چهل سالگی بوده است. همچنین شبیه تعبیر مذکور درباره موسی (ع) نیز بیان شده است: «وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاسْتَوَى آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ»^۱ (قصص، ۱۴)؛ مفسران در تعبیر «استوی» دو قول ذکر کرده‌اند: اولی در معنای چهل سالگی (نک: نحاس، ۱۴۲۱ق، ج ۳: ۱۵۸؛ سمرقندی، بی تا، ج ۲: ۶۰۱؛ طوسی، بی تا، ج ۸: ۱۳۵؛ ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲ق، ج ۷: ۲۳۹؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۵: ۱۰۷؛ عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۴۷۰) و دومی در معنای استحکام و انتهای جوانی (نک: ابن قتیبه، بی تا: ۲۸۱؛ ابوعبیده، ۱۳۸۱ق، ج ۲: ۹۹؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۰: ۲۷؛ نیشابوری، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ۶۴۰). حکم و علم نیز در معنای نبوت است (نک: طوسی، بی تا، ج ۸: ۱۳۵؛ طبرسی، ۱۳۷۷ش، ج ۳: ۲۱۲؛ شبیانی، ۱۴۱۳ق، ج ۴: ۱۴۹؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۴: ۱۷۳). براین اساس بعثت حضرت موسی (ع) نیز در چهل سالگی بوده است.

بنابراین عبارت «بَلَغَ أَشُدَّهُ» در آیه مورد نظر، اشاره به بلوغ جسمی و عبارت «وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً» اشاره به بلوغ فکری، عقلی و روانی دارد (نک: طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲ش، ج ۹: ۱۳۰؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۸: ۲۰۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۲۱: ۳۲۸). بر اساس آیه مذکور، بلوغ فکری انسان در چهل سالگی به خشوع و خضوع او در مقابل آفریدگار و نهایت احترام وی در برابر والدینش منجر می‌شود. البته این تنها بخشی از تأثیرات بلوغ کامل فکری انسان در دنیاست. در روایات اسلامی تأکید شده است که اگر انسان قدر و منزلت خود را نشناسد و پس از سن چهل سالگی متنبه نشود، هدایت او دیگر بسیار دشوار خواهد بود. در حدیثی از

۱. و چون به رشد و کمال خویش رسید، به او حکمت و دانش عطا کردیم، و نیکوکاران را چنین پاداش می‌دهیم.

پیامبر اکرم (ص) نقل است: «إِذَا بَلَغَ الرَّجُلُ أَرْبَعِينَ سَنَةً وَلَمْ يَغْلِبْ خَيْرُهُ شَرَّهُ قَبْلَ الشَّيْطَانِ بَيْنَ عَيْنَيْهِ وَقَالَ هَذَا وَجْهٌ لَا يُفْلِحُ»؛ «اگر انسان در حالی به چهل سالگی برسد که اعمال نیکش بر اعمال ناپسندش پیشی نگیرد، شیطان پیشانی و میان دو چشمانش را می‌بوسد و می‌گوید: این چهره هرگز رستگار نخواهد شد» (طبرسی، ۱۳۸۵ق: ۱۷۰). همچنین ابن عباس از پیامبر اکرم (ص) نقل کرده است که هر کس چهل سالگی را سپری کند و نیروی خیرش بر نیروی شرش غلبه نکند، خود را برای آتش جهنم آماده کند (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۳: ۱۸۶).

تکامل انسان در چهل سالگی باعث می‌شود او به اندک بودن عمر خود پی برده و حیات خود را با گام‌های مطمئن‌تری بردارد. امام باقر (ع) در این باره فرموده است: «زمانی که انسان به چهل سالگی می‌رسد ندایی از آسمان او را مخاطب قرار می‌دهد که ای انسان، زاد و توشه خود را فراهم ساز و آماده باش؛ زیرا وقت سفر نزدیک است» (دیلمی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۱۸۵). چهل سالگی در واقع مرزی است که می‌تواند انسان را از وادی جهالت به قله‌های دانش و آگاهی برساند و زمینه‌های رستگاری او را فراهم سازد.

شایان ذکر است که اربعین علاوه بر اینکه نماد تکامل خود انسان است، به عنوان نمادی برای تکمیل شدن و اتمام کارهای مهم بشر در راستای رسالت خلیفه‌اللهی او کاربرد دارد؛ از جمله آنکه در آیات قرآن کریم، به میعاد چهل‌شبه موسی (ع) با خداوند اشاره شده و آمده است: «وَإِذْ وَاَعَدْنَا مُوسَىٰٓ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ»^۱ (بقره، ۵۱)؛ «وَوَاَعَدْنَا مُوسَىٰٓ ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ قَتْمٍ

۱. «و آن گاه که با موسی چهل شب قرار گذاشتیم آن گاه در غیاب وی، شما گوساله را [به پرستش] گرفتید، در حالی که ستمکار بودید».

مِيقَاتُ رَبِّهِ اَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَقَالَ مُوسَى لِاَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ^۱ (اعراف، ۱۴۲).

۲-۲- میقات چهل شبه موسی (ع)

در قرآن کریم، میعاد حضرت موسی (ع) با خداوند چهل شبه ذکر شده است: «وَإِذْ وَاَعَدْنَا مُوسَى اَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ»^۲ (بقره، ۵۱)؛ که سی شب آن در ذی‌القعدة و ده شب دیگر در ذی‌الحجه رخ داده است و میعاد در کوه طور بود که حاصل آن، اعطای تورات به موسی (ع) بود (نک: بلخی، ۱۴۲۳ق، ج ۱: ۱۰۴؛ شیبانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱: ۱۳۹؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۱: ۸۰؛ محلی و سیوطی، ۱۴۱۶ق: ۱۱؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۶۹؛ کاشانی، ۱۴۲۳ق، ج ۱: ۱۴۸؛ شبّر، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۹۸). لازم به ذکر است مراد از چهل شب، چهل شبانه روز است و در تعلیل کاربست تعبیر فوق باید به عادت عرب اشاره کرد که تاریخ را با شب‌ها بیان می‌کردند (طوسی، بی‌تا، ج ۱: ۲۳۳؛ سورآبادی، ۱۳۸۰ش، ج ۱: ۷۱؛ طبرسی، ۱۳۷۷ش، ج ۱: ۴۵). بیان مذکور با تفسیر قرآن به قرآن تأیید می‌شود: «وَ وَاَعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَ اَتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ فِتَمٍ مِيقَاتُ رَبِّهِ اَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَقَالَ مُوسَى لِاَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ. وَلَمَّا جَاءَ مُوسَى لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ اَرِنِي اَنْظُرْ اِلَيْكَ قَالَ لَنْ تُرَانِي وَلَكِنْ اَنْظُرْ اِلَى الْجَبَلِ فَاِنْ اسْتَقَرَّ مَكَانُهُ فَسَوْفَ تُرَانِي

۱. «و با موسی، سی شب وعده گذاشتیم و آن را با ده شب دیگر تمام کردیم. تا آنکه وقت معین پروردگارش در چهل شب به سر آمد؛ و موسی [هنگام رفتن به کوه طور] به برادرش هارون گفت: در میان قوم من جانشینم باش، و [کار آنان را] اصلاح کن، و راه فسادگران را پیروی مکن».

۲. «و آن گاه که با موسی چهل شب قرار گذاشتیم آن گاه در غیاب وی، شما گوساله را [به پرستش] گرفتید، در حالی که ستمکار بودید».

فَلَمَّا تَجَلَّىٰ رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَ خَرَّ مُوسَىٰ صَعِقًا فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ
وَ أَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ^۱ (اعراف، ۱۴۲-۱۴۳)؛ آیات مذکور به یکی از برهه‌های زندگی
بنی اسرائیل اشاره می‌کند که همان به میقات رفتن موسی (ع) به میقات خداوند و اخذ
تورات از طریق تکلم و وحی، همچنین آوردن جمعی از بنی اسرائیل برای رؤیت این
جریان و در نهایت اثبات عدم رؤیت خداوند با چشم سر است (مکارم شیرازی،
۱۳۷۴ش، ج ۶: ۳۳۹). بر اساس سیاق، حضرت موسی (ع) در مصر به قوم خود وعده
داده بود که خداوند بعد از نابودی فرعون کتاب هدایتی بر آنان نازل خواهد کرد، بعد
موسی (ع) از هلاکت دشمنان، ایشان از خداوند کتاب مذکور را درخواست کرد و
خداوند بدین منظور میقات چهل روزه را مقرر کرد (نک: طبرسی، ۱۳۷۷ش، ج ۱:
۴۶۷؛ اسفراینی، ۱۳۷۵ش، ج ۲: ۷۶۷). در تعلیل چرایی ذکر سی روز و اضافه کردن
ده روز در سوره اعراف و ذکر چهل روز در سوره بقره گفته شده است که خداوند سی
شب با حضرت موسی (ع) وعده کرد تا عبادت کند و روزه بگیرد بعد از مدت مذکور با
ده شب دیگر به نهایت رسانید تا زمان مناجات موسی (ع) رسید (نک: طوسی، بی‌تا،
ج ۴: ۵۳۱؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۱۵۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۴: ۷۲۸). چنانکه
ملاحظه می‌شود، اربعین در آیات فوق نیز رمزی برای آماده‌سازی کامل موسی (ع) و
همچنین جامعه برای انجام رسالت الهی قلمداد شده است. با توجه به اقوال برخی از

۱. و با موسی، سی شب وعده گذاشتیم و آن را با ده شب دیگر تمام کردیم. تا آنکه وقت معین پروردگارش در
چهل شب به سر آمد. و موسی [هنگام رفتن به کوه طور] به برادرش هارون گفت: «در میان قوم من جانشینم
باش، و [کار آنان را] اصلاح کن، و راه فسادگران را پیروی مکن». و چون موسی به میعاد ما آمد و پروردگارش
با او سخن گفت، عرض کرد: «پروردگارا، خود را به من بنمای تا بر تو بنگرم.» فرمود: «هرگز مرا نخواهی دید،
لیکن به کوه بنگر پس اگر بر جای خود قرار گرفت به زودی مرا خواهی دید.» پس چون پروردگارش به کوه
جلوه نمود، آن را ریز ریز ساخت، و موسی بیهوش بر زمین افتاد، و چون به خود آمد، گفت: «تو منزهی! به
درگاهت توبه کردم و من نخستین مؤمنانم».

مفسران، موسی در سی روز نخست به عبادت خداوند پرداخت و روزه گرفت و در ده روز پایانی تورات بر او نازل شد و کار به اتمام رسید (طوسی، بی تا، ج ۴: ۵۳۱-۵۳۲؛ فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۴: ۳۵۲). برخی از گزارش‌ها حاکی از آنند که حضرت موسی (ع) و قوم او تصور می‌کردند که مدت زمان حضور در میعادگاه، سی شب به طول خواهد انجامید؛ اما خداوند ده شب را نیز اضافه کرد تا شرایط فراهم شود و آزمایش قوم موسی (ع) تکمیل شود (نک: بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۲: ۵۸۰). در ادامه سیاق به رسالت و کلیم‌الله بودن حضرت موسی (ع) اشاره شده است (نک: اعراف، ۱۴۴) و تصویری از نزول تورات در الواح که متضمن موعظه و پیام‌های هدایتی است، ارائه می‌شود و خداوند بر پابندی جدی به محتوای تورات از موسی (ع) و بنی‌اسرائیل تأکید می‌کند (نک: اعراف، ۱۴۵). براین اساس دلالت آیات بیانگر این نکته است که همه این عنایت‌ها در سایه میقات چهل شبانه‌روزی حاصل شده است.

۲-۳- سرگردانی چهل ساله بنی‌اسرائیل

در قرآن کریم محرومیت بنی‌اسرائیل از ورود به سرزمین مقدس و سرگردانی آنان به مدت چهل سال ذکر شده است: «قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيَهُونَ فِي الْأَرْضِ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ»^۱ (مائده، ۲۶)؛ آیه مذکور در بسته سیاقی آیاتی قرار دارد که حول محور پیشینه اهل کتاب در مخالفت با فرامین الهی است (نک: مائده، ۲۰-۴۰). در واقع محرومیت چهل ساله از ورود به سرزمین مقدس نتیجه اجابت دعای حضرت موسی (ع) و دیدن عاقبت شوم اعمال بنی‌اسرائیل بود (سمرقندی، بی تا، ج ۱: ۳۸۳؛ مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۴: ۳۴۳)، همان دعایی که در آیه سابق با این

۱. [خدا به موسی] فرمود: «[ورود به] آن [سرزمین] چهل سال بر ایشان حرام شد، [که] در بیابان سرگردان خواهند بود. پس تو بر گروه نافرمانان اندوه مخور».

بیان تعبیر می‌شود: پروردگارا من جز اختیار خودم و برادرم هارون را ندارم پس میان ما و این قوم نافرمان جدایی بینداز (مائده، ۲۵). همچنین گفته شده مقرر بود بنی اسرائیل به سبب گناهان و نافرمانی‌شان نابود شوند ولی بنا به دعای حضرت موسی (ع) خداوند از هلاکت آنان گذشت و سرگردانی چهل ساله جایگزین هلاکت شد (بانوی اصفهانی، ۱۳۶۱ش، ج ۴: ۲۹۵). بنابراین نتیجه درخواست چهل سال سرگردانی بود که خداوند مقدر کرده بود (سورآبادی، ۱۳۸۰ش، ج ۱: ۵۵۰؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۸: ۱۱۷).

در مورد کیفیت سرگردانی اقوالی بیان شده است، بنا بر قولی بنی اسرائیل مدت چهل سال در مساحتی به اندازه شش فرسخ که در محدوده میان بیابان و سرزمین مقدس بود، سرگردان بودند. قول دیگر هم این است که بنی اسرائیل شب تا صبح و صبح تا شب را طی می‌کردند بدون اینکه مطلع باشند در چه نقطه‌ای هستند (طبری، ۱۴۱۹ق، ج ۶: ۱۱۷؛ ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲ق، ج ۴: ۴۴؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۶: ۳۱۹؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۶۲۲؛ بغوی، ۱۴۲۰ق، ج ۲: ۳۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۳: ۲۸۱؛ طبرسی، ۱۳۷۷ش، ج ۱: ۳۲۳). بنابراین نافرمانی و گناه سرنوشت بنی اسرائیل را چهل سال به تغییر انداخت (قرشی، ۱۳۷۷ش، ج ۳: ۵۰). در عهد قدیم به سرگردانی چهل ساله اشاره شده است با این بیان که بنی اسرائیل تا رسیدن به کنعان و ساکن شدن در آن سرزمین مدت چهل سال از نانی به نام من تناول کردند (سفر خروج، باب ۱۶: فقره ۳۵). در سفر اعداد عملاً سرگردانی چهل ساله عقوبت گناهان بنی اسرائیل ذکر شده است و نتیجه گمراهی در بیابان با مرگ گناهکاران به پایان می‌رسد با این بیان که خداوند چهل سال ما را در بیابان سرگردان نمود تا اینکه تمامی آن نسل که نسبت به خداوند گناه ورزیده بودند مردند (سفر اعداد، باب ۳۲: فقره ۱۳).

برخی سرگردانی چهل ساله را دارای فلسفه می‌دانند با این بیان که بنی‌اسرائیل تربیت شده فرعون بودند و پیش‌زمینه‌های ذهنی فرعونیان را اخذ کرده بودند و این ذهنیت به صورت عقده‌های خودکم‌بینی، حقارت، احساس ذلت و کمبود در شخصیت آنان نفوذ کرده بودند، به همین سبب حاضر نشدند در مدت کوتاه تحت رهبری حضرت موسی(ع) روح خود را برای یک زندگی طیب که توأم با قدرت، افتخار و کرامت بود، آماده کنند و آن چه موسی(ع) در مورد اقدام نکردن به یک جهاد آزادی‌بخش در سرزمین‌های مقدس گفته شده، دلیل بر این مدعاست، به همین سبب باید سالیانی در بیابان سرگردان بمانند و تربیت و پیش‌زمینه‌های قبلی از بین می‌رفت و نسلی نو در محیط صحرا با تعلیمات توحیدی و در عین سختی‌ها پرورش یابند تا در انجام اقدام بزرگ موفق باشند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش، ج ۴: ۳۴۴؛ نجفی خمینی، ۱۳۹۸ ق، ج ۴: ۱۴۲). بنابراین عدد چهل در این مورد حامل مفهوم تنبیه و متنبه‌سازی است. موارد مذکور نمونه‌هایی از تجسم اربعین در آیات قرآن کریم به شمار می‌روند.

۳- مفاهیم اربعین در سنت اسلامی

عدد چهل (اربعین) در روایات و اخبار اسلامی نیز از شائیت ویژه‌ای برخوردار است. مبعوث شدن انسان در مقام عالم و فقیه با حفظ چهل حدیث (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱: ۴۹)، رسالت پیامبر اکرم در چهل سالگی، پذیرفته نشدن نماز شراب‌خوار مست تا چهل شبانه روز (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۶: ۴۰۱)، جاری شدن حکمت بر زبان افرادی که چهل روز خود را برای خدا خالص کنند (بحارالانوار، ۱۴۰۳ ق، ج ۶۷: ۲۴۹) نمونه‌هایی از شأن و جایگاه اربعین در روایات‌اند. افزون بر موارد فوق، عالمان مسلمان از دیرباز با توجه به مطالب مذکور، اهمیت خاصی به عدد چهل قائل شده‌اند که در ادامه به برخی از مهم‌ترین موارد آن پرداخته می‌شود.

۳-۱- سنت اربعین نویسی

در فرهنگ اسلامی بر مبنای روایتی از پیامبر(ص) با این بیان «مَنْ حَفِظَ عَلَيَّ أُمِّي أَرْبَعِينَ حَدِيثًا - يَنْتَفِعُونَ بِهَا بَعَثَهُ اللَّهُ تَعَالَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَيُحْيَاهَا عَالِمًا» (امام رضا (ع)، ۱۴۰۶ق: ۶۵؛ شهید اول، ۱۴۰۷ق: ۳؛ ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵ق، ج ۱: ۹۵؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱: ۱۳۶؛ شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۷: ۹۴؛ نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۷: ۲۸۷)، سنت اربعین نویسی به وجود آمده و رواج یافته است. پیشینه سنت اربعین نویسی به قرن اول هجری برمی گردد. مبنای اصلی این سنت روایت فوق‌الذکر است و باعث نگارش صدها اثر حول محور اربعین نویسی شده است که برخی از این آثار به چاپ رسیده و برخی دیگر به صورت نسخه خطی باقی مانده است. باید توجه داشت که اربعین نه فقط در فرهنگ اسلامی و عربی دارای جایگاه ویژه است بلکه در فرهنگ فارسی نیز متأثر از فرهنگ عربی دارای گفتمان شده است و کتاب‌هایی نظیر *چهل سؤال، چهل باب، چهل طوطی، چهل صباح، چهل ناموس، چهل فصل، چهل مجلس* (نک: آقا بزرگ تهرانی، ۱۳۷۸ق، ج ۵: ۳۱۵-۳۱۶) با تکیه بر عدد چهل تدوین شده است (نک: عاشوری، ۱۳۸۳ش: ۱۶۶-۱۶۷). سنت اربعین نویسی در قرن دوم هجری به واسطه اندیشمندان و محدثان اهل سنت به وجود آمد و محدثان شیعه نزدیک قرن سوم تأثیر پذیرفتند و نخستین اربعین در قرن پنج تألیف شد (احمدی آشتیانی و امین ناجی، ۱۳۹۷ش: ۲۵).

یافته‌های پژوهشگران درباره حدیث اربعین بدین صورت است که از نظر وثاقت مورد عمل و اعتماد هستند و کاربست اهل فن و اندیشمندان شیعه و اهل سنت در طول تاریخ بیانگر اطمینان به متن آن است، حفظ اربعین حدیث دارای مراتب سه‌گانه؛ ثبت در خاطره یا دفاتر، تصحیح لفظ حدیث، اجازه دادن و روایت نمودن مرتبه بعدی

حفظ معانی و تدبیر و تفکر در آن و در نهایت استنباط معارف و حکم از آن و مرتبه سوم حفظ به معنای عمل به روایت. مراد از امت هم همه امت پیامبر(ص) و اختصاص به گروه خاصی ندارد (نک: کوهساری، ۱۳۹۲ش: ۵۵). در مورد نماد و راز اربعین هم گفته شده که این مقدار از علم، معمولاً موجب ملکه شدن و بروز و وجود معلومات دیگر می‌شود (همان: ۲۸). بنابراین عالمان مسلمان از دیرباز با توجه به مطالب مذکور، اهمیت خاصی به عدد چهل قائل شده‌اند؛ چنانکه اربعین‌نویسی در نگارش احادیث، از مهم‌ترین و رایج‌ترین اقدامات محدثان شیعه و سنی بوده است (در این باره نک: احمدی آشتیانی و امین‌ناجی، ۱۳۹۷ش: ۱-۳۴).

۳-۳- اربعین در ادب فارسی - اسلامی

عالمان و شاعران ادب فارسی سعی کرده‌اند گونه‌ای از آثار خود را با تأکید بر عدد چهل و با محوریت احادیث پیامبر اکرم (ص) یا جانشینان آن حضرت ارائه کنند که از نمونه‌های بارز آن می‌توان به اربعین جامی اشاره کرد که در آن، چهل حدیث از احادیث پیامبر اکرم (ص) به نظم درآمده است (جامی، ۱۳۷۱ش: سراسر اثر). این کتاب با ترجمه حدیث «لا یؤمن أحدکم حتی یحبّ لأخیه ما یحبّ لنفسه» (بخاری، ۱۴۰۱ق، ج ۱: ۹؛ نسایی، ۱۳۴۸ق، ج ۸: ۱۱۵؛ متقی هندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱: ۴۱) به صورت زیر آغاز شده است (نک: همان: ۲۶):

هر کسی را لقب مکن مؤمن گرچه از سعی جان و تن کاهد

تا نخواهد برادر خود را آنچه از بهر خویشان خواهد

از ویژگی‌های خاص کتاب‌های اربعین در ادب فارسی، مزیت هنری و ادبی آنهاست که غنایی ویژه به آنها بخشیده است. مؤلفان این آثار سعی کرده‌اند در عین

استفاده از نکات لطیف عرفانی و معنوی و تمثیلات و تشبیهات ظریف و دلنشین، مطالب را با الفاظی قابل فهم و به صورتی روشن برای عامه افراد بیان کنند (نزهت، ۱۳۹۴ش: ۸۷).

افزون بر موارد فوق، واژه اربعین در شعر فارسی به مثابه نماد تکامل در پیمودن طریقت بندگی و عاشقی شناخته شده و در موارد گوناگونی در این معنا کاربرد یافته است؛ چنانکه حافظ در این باره سروده است:

سحرگه رهروی در سرزمینی همی گفت این معمّا با قرینی
که ای صوفی شراب آنگه شود صاف که در شیشه بماند اربعینی
ماندن شراب در شیشه کنایه از به سر بردن صوفی در چله است (خرمشاهی، ۱۳۸۵ش، ج ۲: ۱۲۲۶) که البته ناظر به تکامل و غایت امر نیز می باشد.

عدد چهل را می توان در آیین های باستانی ایران نیز جستجو کرد؛ چنانکه یکی از این آیین ها، بزرگداشت شب اول دی ماه است که مردم شب را تا صبح در انتظار طلوع خورشید بیدار می ماندند. در آیین مهرپرستی کسی که می خواست به این آیین درآید، باید چهل مرحله و آزمایش را پشت سر می گذاشت (کوچکیان و پیامی، ۱۳۹۶ش: ۲۴۹).

۳-۴- سنت چله نشینی و اعتکاف

سنت چله نشینی و اعتکاف و انزوای چهل روزه از رسم های سلوک صوفیانه است که تعیین آن به اربعین مستفاد از روایت پیامبر اکرم (ص)^۱ است (خرمشاهی، ۱۳۸۵ش، ج ۲: ۱۲۲۵-۱۲۲۶). عالمان و عارفان اسلامی، اهمیت ویژه ای برای چله نشینی قائل

۱. «من أخلص لله أربعين صباحا ظهرت ينابيع الحكمة من قلبه على لسانه»؛ «کسی که چهل روز خالصانه خدا را عبادت کند، چشمه های حکمت از دلش بر زبانش جاری می شود» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱: ۱۰).

شده و در آثار خود فراوان به این موضوع پرداخته‌اند؛ چنانکه عطار در مصیبت‌نامه در این باره می‌گوید:

چل مقام پیش خواهد آمدن جمله هم درخویش خواهد آمدن
این چله چون در طریقت داشتی با حقیقت کرده آمد آشتی
چون بجوئی خویش را در چل مقام جمله در آخر تو باشی والسلام^۱

در گفتمان صوفیان چله، ریاضت چهل روزه سالک برای تزکیه نفس است و در این گفتمان چله‌نشینی دارای آدابی چون: داشتن طهارت، تعلیم دیدن، اعتلا و تقویت اصول اخلاقی چون صداقت، کم‌خوری، صبر، ساده‌زیستی، تقویت خودشناسی، خداشناسی و رعایت دستورات دینی است. لازم به ذکر است که ریشه‌های این سنت به دین اسلام و حتی آیین حنفاء می‌رسد، با این حال در قرن ششم مصادف با ظهور عرفان، چله‌نشینی به‌طوری گفتمان‌سازی شد که در بین عوام و خواص مؤمنان شایع شد (نک: برزگری مجارنشین، ۱۳۹۵ش: ۱۱۳).

بنابراین عدد چهل به عنوان مفهوم بین‌الادیانی و ال‌ذهانی به نماد تبدیل شده و حامل گفتمان ویژه شده است. در ادامه مؤلفه‌های معنایی عدد چهل در اربعین حسینی تحلیل و بررسی می‌شود.

۳-۲- مفهوم اربعین در نهضت امام حسین (ع)

نقش اربعین در ارتباط با امام حسین (ع) در ادامه مطالب فوق، بسیار حائز اهمیت است. گریستن آسمان و زمین و فرشتگان به مدت چهل شبانه روز بنا به فرمایش امام صادق (ع) خطاب به زراره (بحارالانوار، ۱۴۰۳ق، ج ۴۵: ۲۰۶) و تأکید بر زیارت

۱. عطار نیشابوری، مصیبت‌نامه، بخش ۳۱، برگرفته از سایت گنجور به آدرس زیر در تاریخ یکم دی ۱۴۰۲:

اربیعین از سوی ائمه و بزرگان مذهب (در این باره نک: مفید، ۱۴۱۳ق: ۵۳؛ طوسی، ۱۴۱۱ق، ج ۲: ۷۸۸)، اهمیت اربیعین حسینی را آشکارتر می‌کنند. در کنار پرداختن به مفهوم عدد چهل (اربیعین) در میان ادیان و سنت‌های پیشین، بررسی پیشینه این عدد در قرآن و روایات و تحلیل مسائل آن در ارتباط با شهادت امام حسین (ع) در فرهنگ اسلامی، این نتیجه را به دست می‌دهد که اربیعین حسینی و تأکید بر آن، ارتباط وثیق و محکمی با سابقه این عدد به عنوان نماد تکامل و بلوغ دارد.

اربیعین حسینی که مصادف با بیستم صفر است، زمانی است که رسالت امام حسین (ع) و امام سجاد (ع) در کنار حضرت زینب (س) و سایر یاران آن حضرت به تکامل می‌رسد. در روز بیستم صفر (روز اربیعین)، اهل حرم امام حسین (ع) از شام به مدینه بازگشتند و این همان روزی است که جابر بن عبدالله انصاری، صحابی پیامبر اکرم (ص) به عنوان نخستین زائر قبر سیدالشهداء (ع) از مدینه به کربلا آمد (مفید، ۱۴۱۳ق: ۴۶؛ طوسی، ۱۴۱۱ق، ج ۲: ۷۸۷). درست به خاطر به کمال رساندن نهضت امام حسین (ع) کاروان اهل بیت (ع) در مسیر به جای گریه و زاری به روشنگری و جهاد تبیین می‌پرداختند. برای نمونه، موقع ورود اسرای اهل بیت (ع) از دروازه کوفه، زنی از پشت بام کوفه از طایفه اسیران می‌پرسد که در جواب تعبیر «نحن اساری آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم» شنیده می‌شود و بعد از این پاسخ، سؤال کننده روپوش و روسری‌های خود را از خانه جمع کرد و به اسیران داد (نک: ابن طاووس، ۱۳۸۷ش: ۱۶۵). در این تعبیر با منتسب کردن خود با این بیان که ما اسیران آل محمد (ص) هستیم ارتباط خود را با پیامبر (ص) به مخاطبان نشان می‌دادند تا سبب بیداری قلب و وجدان آنان شوند به طوری که تبلیغات منفی یزیدیان رنگ می‌باخت.

همچنین وقتی کوفیان به اسراء و حالت ایشان نگاه کردند به ناله و زاری افتادند امام سجاد (ع) آنان را مخاطب قرار داد و فرمود: «أتنوحون و تبكون من اجلنا؟ فمن

الذی قتلنا؟» آیا شما به حال ما نوحه می‌کنید پس چه کسی ما را کشت؟ (نک: ابن طاوس، ۱۳۸۷ش: ۱۶۶). ملاحظه می‌شود این بیان حضرت (ع) تلنگری جدی به قصر و کوتاهی اهل کوفه بود که در امتحانی بزرگ رد شده بودند و با این بیان تازه متوجه خسران بزرگ خود شدند.

در کاخ یزید وقتی مرد شامی درخواست تصاحب فاطمه دختر حضرت علی (ع) را به عنوان کنیز از یزید می‌کند، حضرت زینب (س) با ادبیاتی عمیق و دقیق دینی اثبات می‌کند که یزید اجازه این بخشش را ندارد مگر اینکه از دین اسلام خارج شده باشد. یزید با حالت عصبانی در جواب پدر و برادر حضرت زینب (س) را از دین خارج می‌داند در ادامه حضرت اضافه می‌کند که پدر و جد یزید به واسطه دین خداوند و دین پدر و برادر و جدش هدایت شده‌اند و بیان می‌کند چون امیری و تسلط داری از روی ظلم و ستم دشنام می‌دهی؟ و با سلطه‌ای که داری زورگویی می‌کنی؟ (نک: یوسفی غروی، ۱۳۸۰ش: ۲۰۱-۲۰۲). حضرت زینب (س) با این بیان اولاً دستگاه اموی را رسوا کردند که ظالم هستند و از قدرت سوء استفاده می‌کنند و ثانیاً تبلیغات گسترده‌ای که علیه خاندان اهل بیت (ع) با این عنوان که از دین خارج شدند را باطل کردند و سبب بیداری اهل شام شدند.

حضرت زینب (س) در پاسخ عبیدالله بن زیاد که پرسید کار خدا را نسبت به برادر و اهل بیت چگونه دیدی؟ فرمود: «ما رأیت الا جمیلاً»؟ (نک: ابن طاوس، ۱۳۸۷ش: ۱۸۰)، این بیان شاهکار حضرت (س) رسالت با عظمت ایشان و کاروان را به وضوح اثبات می‌کنند که به جای اظهار عجز و شکست جلوی دشمنان خداوند و اهل بیت (ع) شیرینی پیروزی ظاهری‌شان را به کام‌شان تلخ کرده و با تعبیری درخشان به یزید و امویان نشان می‌دهد که در این فقره خون بر شمشیر پیروز شد.

وقتی اسیران را دست بسته وارد کاخ یزید کردند امام حسین (ع) فرمود: «انشدک الله یا یزید. ما ظنک برسول الله صلی الله علیه و آله و سلم لو رآنا علی هذه الصفة»؛ تو را به خدا ای یزید، به گمان تو اگر رسول (ص) ما را با این وضع مشاهده می نمود، چه می کرد؟ یزید دستور داد ریسمان را قطع کردند و برداشتند؟ (نک: ابن طاوس، ۱۳۸۷ش: ۱۹۵)، امام سجاد (ع) با این بیان نسبت خودشان را با پیامبر (ص) و ظلم یزیدیان را خاندان اهل بیت (ع) نشان داده و به مخاطبان نشان می دهد چگونه با اسم دین بانیان هدایت و دین را مورد ظلم و ستم قرار دادند.

هنگامی که اهل بیت از شام به سوی مدینه رهسپار شدند در مسیر به عراق رسیدند از راهنمای کاروان خواستند ما را از راه کربلا حرکت بده، وقتی به قتلگاه رسیدند جابر بن عبدالله انصاری و جماعتی از بنی هاشم را دیدند که برای زیارت مرقد امام حسین (ع) به آنجا آمده بودند، همه در یک وقت در آنجا اجتماع نمودند با هم گریه و ناله کردند و سیلی به صورت زدند به گونه ای عزاداری می کردند که دل ها را شعله ور می نمود، زنانی که در آن نواحی بودند به آنان ملحق شدند و چند روز به عزاداری ادامه دادند (نک: ابن طاوس، ۱۳۸۷ش: ۲۱۵). ملاحظه می شود که در این روز (مصادف با اربعین)، مأموریت امام حسین (ع) و اهل حرم او در کربلا، کوفه و شام به کمال رسیده و آنان پس از سپری کردن حوادث تلخ و پشت سر گذاشتن وقایع سخت و دردناک، رسالت خود را در ارتباط با زنده نگه داشتن دین الهی به پایان رسانده اند.

البته برخی از محققان بر این باورند که اهل حرم امام حسین (ع) در روز اربعین مصادف با بیستم صفر، در مسیر مراجعت از شام به مدینه و در کربلا بوده اند^۱ و برخی

۱. شهید مطهری در کتاب حماسه حسینی، این دیدگاه را مردود دانسته و بیان کرده است که اهل بیت امام (ع) به کربلا بازنگشته اند؛ زیرا اصلاً راه شام به مدینه از کربلا نیست (مطهری، حماسه حسینی، بی تا، ص ۷۱). در این باره مقاله مستقلی نوشته شده و شواهد هر دو دیدگاه را قابل توجه و از این رو، هر کدام از آنها را محتمل دانسته است؛ با این توضیح که بازگشت اهل بیت (ع) به کربلا محتمل تر از عدم بازگشت آنان است (نک: محسنی، ۱۴۰۱ش: سراسر اثر).

دیگر نیز خروج اهل حرم از شام را در روز بیستم صفر (اربعین) دانسته‌اند؛ نه ورود آنان به مدینه را (در این باره نک: محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۳ش، ج ۲: ۵۹۶-۶۰۷؛ محسنی، ۱۴۰۱ش: سراسر اثر). در هر صورت، اربعین را باید روزی دانست که رسالت سیدالشهدا از قیام کربلا در آن محقق شده است؛ به عبارت دیگر، اربعین در ارتباط با شهادت امام حسین (ع) نیز نماد کمال، بلوغ و رشد است.

همچنین مفهوم نمادین آزمایش و تنبیه در اربعین حسینی در رابطه با افراد غافل و بی‌توجه به قیام سیدالشهداء (ع) مشهود است؛ چنان‌که براساس گزارش‌های تاریخی، بعد از اربعین امام حسین (ع)، اهالی کوفه، مکه، مدینه و سایر بلاد به تدریج به خود بازگشتند و چون در آزمایشی بزرگ رد شده بودند، عذاب وجدان و حسرت آزارشان می‌داد؛ به گونه‌ای که نهایتاً طی قیام‌هایی، بارقه‌های حیات معنوی مجدد خودنمایی کرد و اسلام راستین را از فراموشی نجات داد (در این باره نک: محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۳ش، ج ۲: ۶۰۸-۶۹۰).

نتیجه‌گیری

اربعین در عهدین نماد انتظار، آمادگی، آزمایش و تنبیه است. اربعین به معنای چهل، در فرهنگ اسلامی، نماد تکامل و مظهر کمال هر چیز و هر کاری است. تکامل انسان در چهل سالگی باعث می‌شود او به اندک بودن عمر خود پی برده و حیات خود را با گام‌های مطمئن‌تری بردارد. چهل سالگی در واقع مرزی است که می‌تواند انسان را از وادی جهالت به قله‌های دانش و آگاهی برساند و زمینه‌های رستگاری او را فراهم سازد. اربعین علاوه بر اینکه نماد تکامل خود انسان است، به‌عنوان نمادی برای تکمیل شدن و اتمام کارهای مهم بشر در راستای رسالت خلیفه‌اللهی او کاربرد دارد. در قرآن کریم، میعاد حضرت موسی (ع) با خداوند چهل شبه ذکر شده است و دلالت آیات

بیانگر این نکته است که همه این عنایات‌ها در سایه میقات چهل شبانه‌روزی حاصل شده است. در قرآن کریم محرومیت بنی اسرائیل از ورود به سرزمین مقدس و سرگردانی آنان به مدت چهل سال ذکر شده است و عدد چهل در این مورد حامل مفهوم تنبیه و متنبه‌سازی است.

عدد چهل (اربعین) در روایات و اخبار اسلامی نیز از شأنیت ویژه‌ای برخوردار است. عدد چهل را می‌توان در آیین‌های باستانی ایران نیز جستجو کرد؛ چنانکه یکی از این آیین‌ها، بزرگداشت شب اول دی ماه است که مردم شب را تا صبح در انتظار طلوع خورشید بیدار می‌مانند. در آیین مهرپرستی کسی که می‌خواست به این آیین درآید، باید چهل مرحله و آزمایش را پشت سر می‌گذاشت. سنت چله‌نشینی و اعتکاف و انزوای چهل روزه از رسم‌های سلوک صوفیانه است که تعیین آن به اربعین مستفاد از روایت پیامبر اکرم (ص) است

اربعین حسینی و تأکید بر آن، ارتباط وثیق و محکمی با سابقه این عدد به عنوان نماد تکامل و بلوغ دارد. اربعین حسینی، زمانی است که رسالت امام حسین (ع) و امام سجاد (ع) در کنار حضرت زینب (س) و سایر یاران آن حضرت به تکامل می‌رسد. در این روز، مأموریت امام حسین (ع) و اهل حرم او در کربلا، کوفه و شام به کمال رسیده و آنان پس از سپری کردن حوادث تلخ و پشت سر گذاشتن وقایع سخت و دردناک، رسالت خود را در ارتباط با زنده نگه داشتن دین الهی به پایان رسانده‌اند. اربعین در ارتباط با شهادت امام حسین (ع) نیز نماد کمال، بلوغ و رشد است.

همچنین مفهوم نمادین آزمایش و تنبیه در اربعین حسینی در رابطه با افراد غافل و بی‌توجه به قیام سیدالشهداء (ع) مشهود است؛ چنانکه بر اساس گزارش‌های تاریخی، بعد از اربعین امام حسین (ع)، اهالی کوفه، مکه، مدینه و سایر بلاد به تدریج به خود

بازگشتند و چون در آزمایشی بزرگ رد شده بودند، عذاب وجدان و حسرت آزارشان می داد؛ به گونه ای که نهایتاً طی قیام هایی، بارقه های حیات معنوی مجدد خودنمایی کرد و اسلام راستین را از فراموشی نجات داد.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
- آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن، (۱۳۷۸ق)، *الذریعه*، نجف: مطبعه القضاء.
- ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، (۱۴۰۵ق)، *عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة*، قم: دار سید الشهداء للنشر.
- ابن طاوس، علی بن موسی، (۱۳۸۷ش)، *اللاهوف علی قتلی الطفوف*، ترجمه محمد محمدی اشتهازدی، تهران: مطهر، دوم.
- ابن عجیبه، احمد بن محمد، (۱۴۱۹ق)، *البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید*، قاهره: دکتر حسن عباس زکی.
- ابن عطیه اندلسی عبدالحق بن غالب (۱۴۲۲ق)، *المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز*، بیرت: دارالکتب العلمیه.
- ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، (بی تا)، *تأویل مشکل القرآن*، بی جا، بی نا.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ق)، *روض الجنان و روح الجنان*، مشهد، بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی.
- ابوعبیده، معمر بن مثنی، (۱۳۸۱ق)، *مجاز القرآن*، قاهره: مکتبه الخانجی، سوم.
- احمدی آشتیانی، فرهاد؛ امین ناجی، محمد هادی، «بررسی تطبیقی سیر تطور اربعین نویسی در فریقین»، *تحقیقات علوم قرآن و حدیث*، سال ۱۳۹۷، شماره ۳۸، صص ۱-۳۴.
- اسفراینی، ابومظفر شاهفور بن طاهر، (۱۳۷۵ش)، *تاج التراجم فی تفسیر القرآن للاعاجم*، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

آلوسی، سید محمود، *روح المعانی فی تفسیر القرآن الکریم*، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
بانوی اصفهانی، سیده نصرت امین، (۱۳۶۱ش)، *مخزن العرفان در تفسیر القرآن*، تهران: نهضت
زنان مسلمان.

بحرانی، سید هاشم، *البرهان فی تفسیر القرآن*، تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ق.
بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۱ق)، *صحیح البخاری*، بی جا، دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع.
بغوی، حسین بن محمود، (۱۴۲۰ق)، *معالم التنزیل فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
بلخی، مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳ق)، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، بیروت، دار احیاء التراث.
بیضاوی، عبدالله بن عمر، (۱۴۱۸ق)، *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
برزگری مجارنشین، صدیقه، (۱۳۹۵ش)، *چله نشینی در ادبیات فارسی*، پایان نامه کارشناسی
ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان.

ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق احمد بن ابراهیم، (۱۴۲۲ق)، *الکشف والبیان عن تفسیر القرآن*، بیروت:
دار احیاء التراث العربی.

جامی، عبدالرحمن (۱۳۷۱ش)، *اربعین جامی*، تصحیح کاظم مدیر شانه چی، مشهد، آستان
قدس رضوی.

جصاص، احمد بن علی، (۱۴۰۵ق)، *احکام القرآن*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

حسینی همدانی، محمد، (۱۴۰۴ق)، *انوار درخشان در تفسیر قرآن*، تهران: لطفی.

حسینی شیرازی، سید محمد، (۱۴۲۳ق)، *تبیین القرآن*، بیروت: دارالعلوم، دوم.

خرمشاهی، بهاء الدین (۱۳۸۵ش)، *حافظ نامه*، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.

دیلمی، حسن بن محمد، *ارشاد القلوب*، قم، الشریف الرضی، ۱۴۱۲ق.

زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق)، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، بیروت: دارالکتاب العربی.

ژان شوالیه، آلن گربران، فرهنگ نمادها، (۱۳۸۷ش)، ترجمه و تحقیق: سودابه فضاییلی، تهران:
انتشارات جیحون، ۱۳۸۷ش.

سمرقندی، نصر بن محمد بن احمد (بی تا)، *بحر العلوم*، بی جا.

سورآبادی، ابوبکر عتیق بن محمد، (۱۳۸۰ش)، تفسیر سورآبادی، تهران: فرهنگ شهر نو.
سیوطی جلال‌الدین (۱۴۰۴ ق)، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
شبر، سید عبدالله، (۱۴۰۷ق)، الجوهر الثمین فی تفسیر الکتاب المبین، کویت: مکتبه الألفین.
شبر، سید عبدالله، (۱۴۱۲ق)، تفسیر القرآن الکریم، بیروت: دارالبلاغه للطباعة والنشر.
شریف لاهیجی، محمد بن علی، (۱۳۷۳ش)، تفسیر شریف لاهیجی، تهران: دفتر نشر راد.
شهید اول، محمد بن مکی، (۱۴۰۷ق)، الأربعون حدیثاً (للشهید الأول)، قم: مدرسه امام مهدی.
شیبانی، محمد بن حسن، (۱۴۱۳ق)، نهج البیان عن کشف معانی القرآن، تهران: بنیاد دایره المعارف اسلامی.

شیخ حرعاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
طباطبائی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.

طبرسی، علی بن حسن، مشکاة الانوار، نجف، المکتبه الحیدریة، ۱۳۸۵ق.
طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، تهران، انتشارات ناصرخسرو، ۱۳۷۲ش.
طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
طوسی، محمد بن حسن، مصباح المتهجد و سلاح المتعبد، بیروت، مؤسسه فقه الشیعة، ۱۴۱۱ق.
عاملی، علی بن حسین (۱۴۱۳ق)، الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز، قم: دار القرآن الکریم.
عاشوری، نادعلی، (۱۳۸۳ش)، «سنت اربعین نویسی و نسخه‌ای شریف در شرح چهل حدیث»، مجله مطالعات اسلامی، شماره ۶۵ و ۶۶.

فخررازی، ابوعبدالله محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
فراء، ابوزکریا یحیی بن زیاد (بی تا)، معانی القرآن، مصر، دارالمصریه.
فیض کاشانی، محمدحسن بن شاه مرتضی (۱۴۰۶ق)، الوافی، اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی (ع).

فیضی دکنی، ابوالفضل، (۱۴۱۷ق)، سواطع الالهام فی تفسیر القرآن، قم: دارالمنار.

- قرشی، علی اکبر (۱۳۷۷ ش)، *تفسیر أحسن الحديث*، تهران: بنیاد بعثت.
- کاشانی، ملافتح الله (۱۳۳۶ ش)، *تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین*، تهران: کتابفروشی محمدحسن علمی.
- کاشانی، ملافتح الله (۱۴۲۳ ق)، *زبدہ التفاسیر*، قم: بنیاد معارف اسلامی.
- کتاب مقدس (عهد عتیق و عهد جدید)، ترجمه: فاضل خان همدانی، انتشارات اساطیر، ۱۳۸۸ م.
- کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
- کوچکیان، طاهره و پیامی، بهناز (۱۳۹۶ ش)، بازکاوی «چلّه نشینی» در ساختار عرفان اسلامی - ایرانی، *فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره شناسی*، سال ۱۳، شماره ۴۷، ص ۲۴۵-۲۸۳.
- کوهساری، سید اسحاق حسینی، (۱۳۹۲ ش)، «اربعمین نگاری در فرهنگ اسلامی»، نشریه حدیث و اندیشه، دوره ۸، شماره ۱۵.
- متقی هندی، علاءالدین علی (۱۴۰۹ ق)، *کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال*، بیروت، مؤسسة الرسالة.
- مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار ائمة الاطهار*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
- محسنی، محمدسالم (۱۴۰۱ ش)، «اربعمین امام حسین (ع) و ماجرای بازگشت اهل بیت ایشان به کربلا»، *فصلنامه شیعه شناسی*، سال ۲۰، شماره ۷۷، ص ۱۶۳-۱۸۲.
- محلی، جلال الدین و جلال الدین سیوطی (۱۴۱۶ ق)، *تفسیر الجلالین*، بیروت، مؤسسه النور للمطبوعات.
- محمدی ری شهری، محمد، *شهادت نامه امام حسین (ع)*، قم، دار الحدیث، ۱۳۹۳ ش.
- مظهری، مرتضی، *حماسه حسینی*، تهران، صدرا، بی تا.
- مظهری، محمدتشاء الله، (۱۴۱۲ ق)، *التفسیر المظهری*، پاکستان: مکتبه رشدیه.
- مغنیه، محمد جواد، (۱۴۲۴ ق)، *تفسیر الکاشف*، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- مفید، محمد بن محمد، *کتاب المزار*، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید رحمه الله علیه، ۱۴۱۳ ق.
- مفید، محمد بن محمد، *مسار الشیعة فی مختصر تواریخ الشریعة*، قم - ایران، المؤتمر العالمی لألفية الشیخ المفید، ۱۴۱۳ ق.

- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
- نحاس، ابوجعفر، احمد بن محمد (۱۴۲۱ق)، *اعراب القرآن*، بیروت: منشورات محمدعلی بیضون / دارالکتب العلمیه.
- نخجوانی، نعمت الله بن محمد، (۱۹۹۹م)، *الفواتح الالهیه والمفاتیح الغیبیه*، مصر: دارکابی للنشر.
- نزهت، بهمن (۱۳۹۴ش)، «اربعین نگاری در عرفان و ادب فارسی و نسخه‌ای کهن در شرح چهل حدیث»، *نامه فرهنگستان*، شماره ۵۸.
- نسایی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب (۱۳۴۸ق)، *السنن الکبری*، بی‌جا، بیروت، دارالفکر للطباعة والنشر.
- نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸ق)، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
- نیشابوری، محمود بن ابوالحسن (۱۴۱۵ق)، *ایجاز البیان عن معانی القرآن*، بیروت: دارالغرب الاسلامی.
- یوسفی غروری، محمد هادی، (۱۳۸۰ش)، *نخستین گزارش مستند از نهضت عاشورا*، ترجمه جواد سلیمانی، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره، دوم.

References

- The Holy Quran, Translated by Mohammad Mahdi Fouladvand.
- Agha (Aqa) Bozorg Tehrani, Mohammad Mohsen, (1378 AH), *Al-Dharf'a ilā Taṣānīf al-Shī'a* (List of Shia Books), Najaf: Al-Qada' Press. [In Arabic].
- Ibn Abi Jumah, Muhammad ibn Zain al-Din, (1405 AH), *Awālī al-la'ālī' al-'azīzīyah fī al-aḥādīth al-dīnīyah*, Qom: Dar Sayyid al-Shahadah. [In Arabic].
- Ibn Taus, Ali Ibn Musa, (1387), *Allahoof Ali Qatali Al-Tofouf*, translated by Mohammad Mohammadi Eshtredi, Tehran: Motahar, II. [In Persian].
- Ibn Ajibah, Ahmad ibn Muhammad, (1419 AH), *Al-Bahr al-Madid fī Tafsir al-Qur'an al-Majid*, Cairo: Dr. Hassan Abbas Zaki. [In Arabic].
- Ibn 'Atiyya Andalusi, Abd al-Haq bin Ghalib (1422 AH), *Al-Muharrar al-Wajiz fī Tafsir al-Kitāb al-'Aziz*, Beirut: Dar al-Kitab al-ilmiyyah. [In Arabic].
- Ibn Qutayba, Abdullah ibn Muslim, (n.d.), *Ta'wīl mushkil al-Qur'ān*, no place, no publisher. [In Arabic].
- Abu l-Futuh al-Razi, al-Husayn ibn Ali (1408 A.H.), *Rawd al-Jinan wa Ruh al-Janan*, Mashhad, Astan Quds Razavi Research Foundation. [In Arabic].

- Abu Ubaydah, Ma'mar ibn al-Muthanna, (1381 AH), Majaz al-Qur'an, Cairo: Al-Khanji School. [In Arabic].
- Ahmadi Ashtiani, Farhad; Amin Naji, Mohammad Hadi, "Comparative study of the development of Arbaeen writing in Fariqayn", Qur'an and Hadith Science Research, 2017, No. 38, pp. 1-34. [In Persian].
- Isfaraini, Abu Muzaffar Shahfur ibn Tahir, (1375), Taj al-Tarajim fi Tafsir al-Qur'an lil-A'ajim, Tehran: Scientific and Cultural Publications. [In Arabic].
- Alusi, Sayyid Mahmud, Ruh al-Ma'ani fi Tafsir al-Qur'an al-Karim, Beirut, Dar al-Katb al-Ilmiyyah, 1415 AH. [In Arabic].
- Banu Esfahani, Sayyida Nusrat Amin, (1361 SH), Makhzan al-Irfan fi Tafsir al-Qur'an, Tehran: Muslim Women's Movement. [In Persian].
- Bahrani, Sayyid Hashim, Al-Burhan Fi Tafsir al-Quran, Tehran, Ba'that Foundation, 1416 AH. [In Arabic].
- Bukhari, Muhammad ibn Ismail (1401 AH), Sahih al-Bukhari, no place, Dar al-Fikr for printing and distribution. [In Arabic].
- Baghawi, Hussayn ibn Mahmud, (1420 A.H.), Ma'alim al-Tanzil fi Tafsir al-Qur'an, Beirut: Dar ihya' al-Turath al-Arabi. [In Arabic].
- Balkhi, Muqatil ibn Sulayman (1423 AH), Tafsir of Muqatil ibn Sulayman, Beirut, Dar ihya' al-Turath al-Arabi. [In Arabic].
- Beidawi, Abdullah ibn Umar, (1418 AH), Anwar al-Tanzil wa Asrar al-Tawil, Beirut: Dar ihya' al-Turath al-Arabi. [In Arabic].
- Barzegari Majarneshin, Sediqeh, (2015), Chelle-Neshini in Persian literature, master's thesis in Persian language and literature, Shahid Madani University of Azerbaijan. [In Persian].
- Al-Tha'labi al-Nisaburi, Abu Ishaq Ahmad ibn Ibrahim, (1422 AH), Al-Kashf wa-l-bayān 'an tafsīr al-Qur'ān, Beirut: Dar ihya' al-Turath al-Arabi. [In Arabic].
- Jami, Abdurrahman (1371), Arbaeen Jami, edited by Kazem Modir Shanechi, Mashhad, Astan Quds Razavi. [In Arabic].
- Jassas, Ahmed ibn Ali, (1405 AH), Ahkam al-Qur'an, Beirut: Dar ihya' al-Turath al-Arabi. [In Arabic].
- Hosseini Hamedani, Muhammad, (1404 AH), Shining Lights in Tafsir Qur'an, Tehran: Lotfi. [In Persian].
- Hosseini Shirazi, Seyyed Muhammad, (1423 AH), Tabyin al-Qur'an, Beirut: Dar al-Ulum. [In Arabic].
- Khoramshahi, Bahauddin (1385), Hafeznameh, Tehran, Scientific and Cultural Publications. [In Persian].
- Al-Daylam, Hasan b. Abi l-Hasan b. Muhammad, Irshād al-qulūb, Qom, Al-Sharif al-Razi, 1412 AH. [In Arabic].
- Zamakhshari, Mahmud (1407 AH), Al-Kashshaaf 'an Haqa'iq at-Tanzil, Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi. [In Arabic].
- Jean Chevalier, Alain Gheerbrant, A Dictionary of Symbols, (1387), translation and research: Sudabeh Fazali, Tehran: Jeyhun Publications. [In Persian].

- Samarqandi, Nasr ibn Muhammad ibn Ahmed (n.d.), Bahrul Ulum, no place. [In Arabic].
- Sourabadi, Abu Bakr Atiq ibn Mohammad, (1380), Tafsir Sourabadi, Tehran: Farhange Shahre Nou. [In Persian].
- al-Suyuti, Jalal al-Din (1404 AH), Al-Durr Al-Manthur Fi Tafsir Bil-Ma'thur, Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library. [In Arabic].
- Shubbar, Sayyid 'Abd Allāh, (1407 AH), al-Jawhar al-thamīn fī tafsīr al-Kitāb al-mubīn, Kuwait: Maktaba al-Alfayn. [In Arabic].
- Shubbar, Sayyid 'Abd Allāh, (1412 AH), Tafsir al-Qur'an al-Karim, Beirut: Dar al-Balaghah for Printing and Publishing. [In Arabic].
- Sharif Lahiji, Mohammad ibn Ali, (1373), Tafsir Sharif Lahiji, Tehran: Rad publishing house. [In Arabic].
- Shahid Awwal, Muhammad ibn Makki, (1407 AH), Al-Arbaun, Qom: Imam Mahdi School. [In Arabic].
- al-Shaybani, Muhammad ibn Hasan, (1413 AH), Nahj al-bayan 'an kashf ma'ani l-Qur'an, Tehran: Islamic Encyclopedia Foundation. [In Arabic].
- al-Ḥurr al-ʿĀmilī, Muhammad ibn Hasan, (1409 AH), Wasa'il al-Shia, Qom: Al Al-Bayt institute. [In Arabic].
- Tabatabai, Sayyid Muhammad Husayn, Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an, Qom, Islamic Publications Office of the Qom Seminary Community of Teachers, 1417 AH. [In Arabic].
- Tabrisi, Ali ibn Hasan, Mishkah al-Anwar, Najaf, al-Maktabat al-Haydariyya, 1385 AH. [In Arabic].
- Tabrisi, Fazl ibn Hasan, Majma Al-Bayan, Tehran, Naser Khosrow Publications, 1372 SH. [In Arabic].
- Tusi, Muhammad ibn Hasan, Al-Tibyān fī tafsīr al-Qur'ān, Beirut, Dar ihya' al-Turath al-Arabi, n.d. [In Arabic].
- Tusi, Muhammad ibn Hasan, Misbah Al Mutahajjid Wa Salah Al Mutabbid, Beirut, Fiqh al-Shi'a Foundation, 1411 AH. [In Arabic].
- al-'Amili, Ali ibn Husayn (1413 AH), Al-Wajiz fi tafsir al-Qur'an al-'Aziz, Qom: Dar al-Qur'an al-Karim. [In Arabic].
- Ashuri, Nad Ali, (1383), "The tradition of Arbaeen writing and a noble manuscript in the description of forty hadiths", Islamic Studies Journal, numbers 65 and 66. [In Persian].
- Fakhr Razi, Abu Abdullah Muhammad ibn Umar, Mafatih al-Ghayb, Beirut, Dar ihya' al-Turath al-Arabi, 1420 AH. [In Arabic].
- Farra, Abu Zakariyya Yahya ibn Ziyad (n.d.), Ma'ani al-Qur'an, Egypt, Dar al-Misriyyah. [In Arabic].
- Faiz Kashani, Muhammad Muhsin ibn Shah Murtaza, (1406 AH), Al-Wafi, Isfahan: Library of Imam Amir al-Muminin Ali (pbuh). [In Arabic].
- Fayz Dakani, Abu al-Fazl, (1417 AH), Sawati al-ilham fi Tafsir al-Qur'an, Qom: Dar al-Manar. [In Arabic].
- Qurashi, Ali Akbar (1377), Tafsir Ahsan al-Hadith, Tehran: Bathat Foundation. [In Persian].

- Kashani, Mulla Fathullah (1336), *Tafsir al-Sadiqin fi Zam al-Mukhalifin*, Tehran: Mohammad Hasan Elmi bookstore. [In Arabic].
- Kashani, Mulla Fathullah, (1423 AH), *Zubdat al-Tafasir*, Qom: Islamic Studies Foundation. [In Arabic].
- Holy Bible (Old Testament and New Testament), translated by: Fazel Khan Hamdani, Asatir Publications, 1388 AD. [In Persian].
- Kulayni, Muhammad ibn Yaqub, al-Kafi, Tehran, Dar al-Kitab al-Islamiyyah, 1407 AH. [In Arabic].
- Koochian, Tahereh and Payamani, Behnaz (2016), "Re-examination of "Chelleh-neshini" in the structure of Islamic-Iranian mysticism", *Mystical and Mythological Literature Journal*, year 13, number 47, pp. 283-245. [In Persian].
- Kuhsari, Seyyed Ishaq Hosseini, (2013), "Arbain Writhing in Islamic Culture", *Hadith and Andisheh Journal*, Volume 8, Number 15. [In Persian].
- Al-Muttaqi al-Hindi, Alauddin Ali (1409 AH), *Kanz al-'Ummal fi Sunan al-Aqwal wa 'l-Af'al*, Beirut, Al-Risalah Foundation. [In Arabic].
- Majlisi, Muhammad Baqir, *Bihar al-anwar al-jamiah li-durar akhbar al-aimmah al-athar*, Beirut, Dar ihya' al-Turath al-Arabi, 1403 AH. [In Arabic].
- Mohseni, Mohammad Salem (1401 AH), "Imam Hussain's Arbaeen and the story of his family's return to Karbala", *Shia Science Journal*, year 20, number 77, pp. 163-182. [In Persian].
- Mahalli, Jalal al-Din and Jalal al-Din Suyuti (1416 AH), *Tafsir al-Jalalayn*, Beirut, Al-Noor Press Institute. [In Arabic].
- Mohammadi Reyshahri, Muhammad, *Martyrdom Book of Imam Husayn (AS)*, Qom, Dar al-Hadith, 1393 SH. [In Persian].
- Motahari, Morteza, *Hamaseye Hoseini (Epic of Imam Husayn)*, Tehran, Sadra, n.d. [In Persian].
- Mazhari, Muhammad Sana Allah, (1412 AH), *al-Tafsir Al-Mazhari*, Pakistan: Rushdiyyah School. [In Arabic].
- Mughniyyah, Muhammad Javad, (1424 AH), *Tafsir al-Kashif*, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [In Arabic].
- Mufid, Muhammad ibn Muhammad, *Kitab al-Mazar*, Qom, World Conference of the Millennium of al-Shaykh al-Mufid, 1413 AH. [In Arabic].
- Mufid, Muhammad ibn Muhammad, *Masar al-Shi'a fi Mukhtasar Tawarikh al-Shari'ah*, Qom, World Conference of the Millennium of al-Shaykh al-Mufid, 1413 AH. [In Arabic].
- Makarem Shirazi, Naser, *Nemuneh Tafsir*, Tehran, Dar al-Kutub al-Islamiyah, 1374. [In Persian].
- Nahhas, Abu Jafar, Ahmad ibn Muhammad (1421 AH), *Irab al-Qur'an*, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah. [In Arabic].
- Nakhjawani, Nematullah ibn Muhammad, (1999 AD), *al-Fawatih al-Ilahiyyah wal-Mafatih Al-Ghaybiyyah*, Egypt: Dar rikabi. [In Arabic].

- Nazhat, Bahman (2014), "Arabin Writhing in Persian mysticism and literature and an old manuscript in the description of 40 hadiths", Nameye Farhangestan, No. 58. [In Persian].
- Nasa'i, Abu Abd al-Rahman Ahmad ibn Shuayb (1348 AH), al-Sunan al-Kubra, no place, Beirut, Dar al-Fikr. [In Arabic].
- Nuri, Husayn ibn Muhammad Taqi, (1408 AH), Mustadrak al-Wasail wa Mustanbat al-Masail, Qom: Al-Al-Bayt Institute. [In Arabic].
- Neishabouri, Mahmud bin Abul Hasan (1415 AH), Ijaz al-Bayan an Ma'ani al-Qur'an, Beirut: Dar al-Gharb al-Islami. [In Arabic].
- Yousefi Goroori, Mohammad Hadi, (2010), the first documentary report of the Ashura movement, translated by Javad Soleimani, Qom: Publications of the Imam Khomeini Educational and Research Institute, II. [In Persian].

